

زمینه‌های شکل‌گیری احادیث موضوعه در حوزه‌ی زنان

راضیه شیرینی*

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تبیین زمینه‌های رشد احادیث موضوعه در مورد زنان و معین نمودن نقش هر کدام از زمینه‌ها در گسترش احادیث مجعول می‌باشد. جامعه مورد بررسی شامل کتب الموضوعات می‌باشد. نمونه پژوهش احادیث موضوعه در مورد زنان و معین نمودن نقش هر کدام از زمینه‌ها در گسترش احادیث مجعول علیه زنان است. طرح پژوهش توصیفی تحلیلی است. اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای به دست آمد. تحلیل با استفاده از داده‌های به دست آمده از موضوعات واحادیث موضوعه ی مطرح در کتب الموضوعات به دست آمد. نتایج تحقیق نشان داد که شرایط تاریخی جامعه ی اسلامی زمینه ساز وضع و جعل حدیث در مورد زنان بوده است. زمینه‌های جعل حدیث در مورد زنان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل تقسیم است: از زمینه‌های فرهنگی می‌توان به غلبه ی فرهنگ مردسالاری، وجود نگرش منفی نسبت به هویت زن و ترویج افکار اهل کتاب بین مسلمین اشاره نمود. نفوذ معاندین دین در بین مسلمانان از زمینه‌های سیاسی بوده و وجود اقتضائات اجتماعی دوران بعد از پیامبر (ص) از زمینه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. با فراهم بودن این زمینه‌ها احادیث زن سستیز جعل شده و بعد از جعل به علت پذیرش از سوی جامعه ی مردان و به علت رویکرد تسامح آمیز محدثان در نقل اخبار غیر احکام بدون بررسی در لابلای متون روایی جای گرفته است.

کلید واژگان: احادیث موضوعه، حوزه ی زنان.

* استادیار گروه معارف اسلامی، واحد سلماس، دانشگاه آزاد اسلامی، سلماس، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: rsh.khoy@yahoo.com)

«تمام حقوق انتشار این اثر متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می باشد»

مقدمه

تاریخ‌گویی آن است که زنان همواره در طول تاریخ مظلوم واقع شده و از حقوق مسلم خود برکنار بوده‌اند. زنان دورانی را سپری نموده‌اند که منزلت و ارزش زن در ردیف حیوانات و حتی پایین‌تر از آن‌ها بوده و سرشت وی سرشتی وسوسه‌آمیز تلقی می‌گردید. به طوری که حتی زنده به گور کردن دختران ارزش محسوب می‌شد و شخص این عمل را افتخار خود به حساب می‌آورد. تا این که بالاخره بر شاخه‌های آن دوران تاریک، نور رسالت پیامبر (ص) تابید و زن به وسیله ی تعالیم نبوی به کرامت رسیده و معیارهای ارزشی مرتبط با وی در جامعه به طور کلی تغییر یافت. پیامبر (ص) با الهام از وحی الهی با بیانات و رفتار خود تلاش فراوانی بر عزت بخشیدن به زنان نمود که در جامعه ی آن زمان نامأنوس بود. از این رو با توجه به این که احادیث منقول از پیامبر (ص) از حجیت کافی نزد مسلمانان برخوردار بود و تنها راه رسیدن به سنت پیامبر (ص) نیز محسوب می‌شد و با توجه به این که احادیث مندرج در مصادر حدیثی به علت پدیده‌هایی نظیر منع کتابت حدیث در طول نزدیک به یک قرن فرصتی جهت رواج پدیده ی نقل به معنای احادیث و جعل حدیث گردیده بود (حسینی جلالی، ۱۴۱۳: ۴۸۱). در این اوضاع احادیث ذم مرتبط با شخصیت یا حقوق زن ساخته و وارد کتاب‌ها و منابع اسلامی گردید. علمای اسلامی در طول تاریخ تلاش‌های زیادی در جداسازی این دسته از احادیث انجام داده و به نقد سندی و متنی احادیث اهتمام ورزیدند. به طوری که برخی علما و اندیشوران نیز کتاب‌هایی در زمینه ی معرفی احادیث موضوعه انجام داده و سعی در شناساندن این دسته از احادیث نمودند. به عنوان نمونه می‌توان به کتابهای «الموضوعات» (ابن جوزی، ۱۴۱۵)، المنار المنیف (ابن قیم جوزیه، ۱۴۰۳)، لئالی المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه (السیوطی، بی تا) اشاره کرد. در میان این احادیث، احادیث مرتبط به زنان نیز وجود دارد. نگاه به شرایط تاریخی نشان می‌دهد که برای جعل حدیث در حوزه ی زنان زمینه‌هایی فراهم بوده است که روند رشد آن را افزایش داده است. استخراج این احادیث از کتب الموضوعات و بررسی زمینه‌های جعل آن احادیث کوششی برای بررسی چگونگی نگرش جامعه ی اسلامی نسبت به زن بوده و راهکاری برای دفاع از حقوق از دست رفته ی وی نیز می‌باشد. وجود روایاتی با نگرش منفی به زن در طول تاریخ او را با بحران هویت مواجه ساخته و سبب ضایع شدن استعدادها و خلاقیت‌ها و تکامل او شده است. هم‌چنین این محرومیت‌ها با تکیه بر احادیث موضوعه به استضعاف فکری و اجتماعی و سیاسی زن نیز انجامیده و سبب گردیده است راه تبلیغات دشمنان در ابتدال زن نیز گشوده گردد. لذا انجام این گونه تحقیقات در مورد احادیث جعلی علیه زنان ضروری است. از این روست که در طول تاریخ محققان متعددی به آن روی آورده‌اند از جمله می‌توان به مقاله ی «دفاع از حدیث (۶)» نوشته ی حسینیان قمی در سال ۱۳۷۷ اشاره نمود که نویسنده در چند شماره از این فصلنامه به تحلیل مشهورترین روایات موضوعه در مورد زن پرداخته است. هم‌چنین در مقاله ی «رواسازی خشونت علیه زنان در احادیث مجعول»، نوشته ی نیکزاد در سال ۱۳۸۳؛ روایات مرتبط با خشونت زنان مورد تبیین قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون کاری در مورد «زمینه‌های جعل حدیث علیه زنان و گسترش آن در جامعه ی اسلامی» صورت نگرفته است؛ لذا هدف از پژوهش حاضر تبیین زمینه‌های رشد احادیث موضوعه در مورد زنان و معین نمودن نقش هر کدام از زمینه‌ها در گسترش احادیث مجعول می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش تحلیلی - توصیفی است. جامعه مورد بررسی شامل کتب الموضوعات می‌باشد. نمونه پژوهش احادیث موضوعه در مورد زنان و معین نمودن نقش هر کدام از زمینه‌ها در گسترش احادیث مجعول علیه زنان بود.

روش اجرا

در انجام پژوهش حاضر در بخش توصیفی اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای به دست آمد. در بخش تحلیل نیز با استفاده از داده‌های به دست آمده از موضوعات و احادیث موضوعه ی مطرح در کتب «الموضوعات» میزان تأثیرگذاری زمینه‌های به دست آمده مشخص گردید. سپس زمینه‌های وضع احادیث علیه زنان با تحلیل این احادیث و بررسی شرایط تاریخی عصر جاهلیت و اسلام مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

نگاه به تاریخ حدیث بیانگر فراهم بودن زمینه‌های وضع حدیث در موضوعات گوناگون است. کنترل جریان نقل حدیث و فرمان منع نقل حدیث توسط قدرت‌های سیاسی بعد از رحلت پیامبر (ص) زمینه را برای پذیرش احادیث جعلی فراهم ساخت. چه بعد از این جریان بیشتر احادیث بر پایه ی نقل شفاهی و اتکا بر حافظه نقل و روایت می‌شد و این امر سبب شد بخش وسیعی از روایات پیامبر (ص) به تدریج از بین برود و یا مضمون آن با جعل و تحریف آلوده گردد (معارف، ۱۳۷۷: ۱۵۱). در مورد جعل احادیث مرتبط با زنان علاوه بر موارد فوق زمینه‌های دیگری نیز فراهم بود که در این قسمت مورد بررسی قرار گرفت.

زمینه‌های فرهنگی

- وجود نظام مردسالاری در جامعه ی عربی:

قبل از ظهور اسلام در جامعه ی عرب و جوامع اطراف نظام مردسالاری حاکم بود. به گونه‌ای که مردان بر زنان تسلط تام و مطلق داشتند، پس از آن که اسلام برای زن جایگاه شخصیتی و حقوقی بالایی قرار داد، مردان برای غلبه بر زنان به جعل حدیث علیه زنان روی آوردند. اعتراضاتی که صحابه بعد از اسلام بر حضور زنان در مساجد یا اجتماعات مسلمانان و کوشش بر منع زنان از این امور می‌کردند شاهدهی بر خوی سلطه‌گرایانه آن‌هاست. مردان حتی برای تحقق بخشیدن به منویات شخصی خود سخنی را به رسول خدا نسبت می‌دادند به عنوان نمونه می‌توان به روایت زیر اشاره نمود: «حدثنا عبید الله بن معاذ حدثنا أبي حدثنا شعبة عن أبي التياح قال كان لمطرف بن عبد الله امرأتان فجاء من عند إحداهما فقالت الأخرى جئت من عند فلانة فقالت جئت من عند عمران بن حصين فحدثنا أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال إن أقل ساكني الجنة النساء» (مطرف دارای دو همسر بود از نزد یکی از آنان آمد. همسر دیگر گفت: از نزد زن دیگری آمدی؟ گفت نزد عمران بن حصین بودم این حدیث را از رسول خدا نقل کرد: کمترین ساکنان بهشت زنان اند.) (الحاکم النیشابوری، ۱۴۱۱، ۴: ۲۰۹۷) از این روست که برخی محققین عقیده دارند بسیاری از

احکام امروز در مورد زنان میراث اندیشه‌های افرادی است که خوی پدرسالارانه خود را در اسلام به جا گذاشته‌اند (نوال السعداوی، ۲۰۰۰: ۷۴۰).

به عقیده ی شیخ فضل الله تمامی احادیثی که از شأن زن می‌کاهد، برآیند شرایط تاریخی جامعه ای است معتقد به بردگی و بردگی گرفتن که سنگ زیرین آن نگاه طبقاتی به مسائل است. (فضل الله، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، ۱۳۷۸ش: ۳۵).

می‌توان گفت احادیث موضوعه ای که به صراحت به تأخر رتبه ی زنان اشاره نموده‌اند: (أخروهن من حیث أخرهن الله) (الحوت، ۱۴۰۳، ۱، ۳۴؛ زرکشی، ۱۴۰۶، ۱: ۶۲؛ القاوقجی، بی تا، ۱: ۲۸؛ المالکی، بی تا، ۱: ۲۹) و یا زن را وسیله ی بازی شوهر: «المرأة لعبه زوجها فإن استطاع أن يحسن لعبته فليعمل» (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۳/ ۱۰۶، الذهبی، ۱۴۱۹، ۱/ ۲۸۹؛ السیوطی، بی تا، ۲/ ۱۶۰؛ الکنانی، ۱۹۸۱م، ۲: ۲۲۶) و خدمتگزار مرد «فإن المرأة لو تعلم ما حق زوجها لم تزل قائمة ما حصر غداؤه وعشاؤه» (ألبانی، ۱۴۱۲، ۱۳: ۴۶) معرفی نموده‌اند و نیز احادیث موضوعه ی مرتبط با منع دانش اندوزی زنان، گرسنه و بی لباس نگه داشتن آنان «ذبح العلم بین أفخاذ النساء» و «ضاع العلم بین أفخاذ النساء» (الحوت، ۱۴۰۳، ۱: ۱۷۶؛ العجلونی، ۱۴۰۸، ۱: ۴۱۶)؛ «أجبعوا النساء جوعاً غير مضر وأعروهن عرباً غير مبرح، لأنهن إذا سمن واكتسبن فليس شيء أحب إليهن من الخروج» (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۲: ۲۸۴؛ الشوکانی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۳۵؛ السیوطی، بی تا، ۲: ۱۵۴)؛ «قال انما النساء عی و عورة فکفوا عیهن بالسکوت واستروا عوراتهن بالبیوت» (ابن جوزی، ۱۴۰۳، ۲: ۶۳۲) حکایت از خوی مردسالاری مردان دارند. جالب این که در برخی کتب احادیثی مانند «استعینوا علی النساء بالغرزی» به صحابه منتسب شده‌اند (المبرد، ۱۴۲۰، ۲: ۷۱۹) که می‌تواند تأییدی بر این قول محسوب شود.

- نگرش منفی نسبت به هویت زن:

وضعیت زنان در جاهلیت عموماً همراه با تحقیر و نابرابری با مردان بوده است. زن را مظهر مکر و نیرنگ دانسته و عقیده داشتند زن همانند شیطان در پی فریب دادن مردان است. باورها، عادت‌ها و عرف‌های جاهلی چنان بود که زن را از برخی حقوق انسانی اش محروم نموده بود. اشاعه ی ضرب المثل‌ها و شعرهایی پیرامون شومی و سستی نظر و عدم اعتماد به زن و مکر و حيله ی زنان نشان از این دیدگاه نسبت به زنان دارد (المنای ۱۳۵۶، ۲: ۱۷۵). نگرش منفی به زنان را می‌توان از سخنان برخی صحابه که قائل به شخصیت منفی زنان بودند و ازدواج با زنان را ناپسند تلقی می‌کردند (زمخشری ۱۴۱۲، ۱: ۴۶۳) و یا عقیده داشتند بیشتر گناه دوزخیان از ناحیه ی زنان بوده است: «بلغنی أن أكثر ذنوب أهل الجنة فی النساء» (السیوطی، ۱۹۹۳م، ۵: ۲۸۲؛ العبسی الکوفی، بی تا، ۴: ۴۶) و یا قائل به فتنه انگیزی زنان بودند: «سعید بن المسیب: ما یئس الشیطان من شیء إلا أتاه من قبل النساء» و نیز «ابن عباس: لم یکن کفر من مصى إلا من قبل النساء وهو کائن کفر من بقی من قبل النساء» (نویری، ۱۴۲۴، ۲: ۲۱۰؛ العبسی الکوفی، بی تا، ۴: ۴۰۵) قابل برداشت است. از این رو با فراهم بودن این زمینه ی فکری و فرهنگی و تعصب و سخت‌گیری برخی از صحابه که توانایی غلبه بر فرهنگ موروثی خود را نداشتند، زمینه ی جعل حدیث علیه زنان را فراهم

می‌نمود (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳: ۵۵) و در زمان‌های بعد نیز به دلیل ته مانده‌های افکار و رسوم جاهلیت میان مردم برخی مفسران و مورخان بر چنین روایاتی اعتماد ورزیده و آن‌ها را در کتب سیره و حدیث وارد می‌نمودند. می‌توان گفت رواج ضرب المثل‌هایی در نگاهش زن نظیر شوم بودن زنان و ... در میان مسلمانان یکی از زمینه‌های گسترش احادیث جعلی پیرامون زن بود. لازم به ذکر است که این طرز نگرش به زنان سبب شده بود که حتی خود زنان نیز خود را عامل گناه معرفی کنند. عبد الحلیم ابو شقه می‌نویسد: «مسلمانان در برخورد با زنان از مسیر تعالیم شریعت اسلام منحرف گشته‌اند و روایات مجعول و مدسوس در میان آنان گسترش یافته است. از این رو زن مسلمان به ورطه ی جهل و غفلت از دین و دنیا سقوط کرده است... در حقیقت این روزگار تداوم عصر جاهلیت است.» (ابو شقه، ۱۴۱۰، ۱: ۵).

احتمال می‌رود احادیث موضوعه ی مرتبط با لزوم دفن دختران: «دفن البنات من المکرمات» (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۳: ۲۳۶؛ السیوطی، بی تا، ۲: ۳۶۴؛ البانی، ۱۴۱۲، ق، ۱: ۳۳۷)؛ «للمرأة ستران القبر والزوج قیل وأیهما أفضل قال القبر» (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۱: ۱۱۹؛ الذهبی، ۱۴۱۹، ۱: ۳۴۵؛ السیوطی، بی تا، ۲: ۳۶۴)؛ حدیث «نعم الصهر القبر» (الحوت، ۱۴۰۳، ۱: ۳۰۷؛ زرکشی، ۱۴۰۶، ۱: ۱۸۶؛ العامری، بی تا، ۱: ۲۴۹) یا احادیثی که در صدد معرفی زن به عنوان موجودی ناقص العقل هستند «عقولهن فی فروجهن» (العامری، بی تا، ۱: ۱۴۶؛ الحوت، ۱۴۰۳، ۱: ۱۸۳؛ القاری، ۱۳۹۱، ۱: ۲۴۶)؛ «شاوروهن و خالفوهن» (القاری، ۱۳۹۱، ۱: ۲۲۲؛ الشوکانی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۳۰) و نیز احادیثی که زن را مایه ی اندوه معرفی نموده‌اند: «أشد الحزن النساء» (ابن جوزی، بی تا، ۲: ۵۰۱) با فراهم بودن این زمینه ی فکری و فرهنگی ساخته و جعل شده‌اند.

– رواج افکار اهل کتاب بین مسلمین:

بسیاری روایات مجعول در حوزه ی زنان از اندیشه‌های غلط و موهوم موجود در کتاب‌های تحریف شده ی اهل کتاب نشأت گرفته است. بی توجهی مسلمانان و جاذبه ی مطالب نقل شده توسط اهل کتاب که در قالب نقل داستان مطالب مربوط به آفرینش جهان و انسان و مانند آن را نقل می‌شد عرصه را برای گسترش احادیث جعلی فراهم نمود. احادیثی که خلقت زن را از دنده ی چپ مرد می‌دانند و یا زن را عامل گناه معرفی می‌کنند مطالبی هستند که در تورات و انجیل تحریف شده وجود دارد. منقول است که ائمه (ع) به پالایش این روایات پرداخته و این احادیث را دروغین معرفی نموده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به ردّ روایات خلقت حوا از دنده ی چپ آدم (ع اشاره نموده نمود (صدوق، بی تا، ۵۹). جعفریان در این زمینه می‌نویسد: «فرهنگ اهل کتاب که پیش از اسلام در برخی مناطق عربی و از جمله یشرب وجود داشت، به دلیل تناسب دینی آن با اسلام، از طرف بسیاری ترویج می‌شد. مسلمانان در شرح برخی قصص قرآنی از آرای اهل کتاب و متون آنان استفاده می‌کردند» (جعفریان، بی تا، ۱۳).

زمینه‌های سیاسی

– نفوذ برخی معاندین دین در میان راویان حدیث:

تاریخ گویای آن است برخی مخالفین و معاندین اسلام بعد از گسترش قلمرو حکومت اسلامی و نبود

قدرت نظامی برای مقابله با مسلمین به ظاهر مسلمان شده بودند و برای تحریف و مشوش نمودن چهره ی اسلام دست به جعل و وضع احادیث زده و با داخل نمودن مطالب بی اساس و غیر صحیح ضربه ی سنگینی بر پیکر اسلام وارد نمودند. بنا به گفته ی ابوریه برخی از روی عمد احادیثی را درست کرده اند که اگر معانی آنها در عقل مسلمانان وارد شود اخلاق شان را نابود و آنان را به سهل انگاری در اعمال شرعی و سستی از یاری حق می‌کشاند (ابوریه، بی تا: ۵۷۵). دشمنان اسلام با مخدوش کردن روایات مربوط به زن در حمله به حقوق وی و انحراف آن می‌کوشیدند و بدبینی قبائل تازه مسلمان نسبت به زن، زمینه را جهت قبول انحرافات نادرست یا حداقل عدم مخالفت با آن مناسب می‌نمود. از این رو علاوه بر اینکه به گونه ی ناخواسته مطالب تورات و انجیل به عنوان احادیث صادر شده از پیامبر (ص) به علت بی توجهی مسلمین وارد کتب تفسیری گشت، اسرائیلیات و مطالب خرافی و خیالی و امور غیر واقعی توسط یهودیان و مسیحیان مخالف و معاند با اسلام نیز وارد احادیث شد. آنان که گوشه‌های مسلمانان را آماده ی پذیرش افسانه‌ها و اسطوره‌های قدیمی و کهنه خود یافتند با افزودن پیرایه‌های عجیب و غریب به نام مطالب شرعی و مذهبی و به نام اسلام و پیامبر گرامی به نقل آن پرداختند.

زمینه‌های اجتماعی

- وجود اقتضائات اجتماعی بعد از پیامبر (ص):

وجود برخی اقتضائات اجتماعی و معیشتی بعد از رحلت پیامبر (ص) زمینه ساز جعل حدیث در حوزه ی زنان فراگردید. چون پس از رحلت پیامبر (ص) مسلمانان دچار تحول جدیدی شدند و دانشمندان اندک اندک نظام رفتاری و اعتقادی خود را متناسب با احوال جدید تغییر دادند. آنان بر سرزمین‌های پهناوری چیره شدند و از آراء و نظام‌های جدید آن‌ها بهره بردند و اندیشه‌های مسلمانان در جنبه‌های بسیاری تحت تاثیر آراء آن جوامع قرار گرفت و از آن جا که حدیث و سنت سلف برای مسلمانان حجیت مطلق یافته بود، به وضع احادیثی پرداختند که متضمن مفاهیمی متناسب با نظریات و مقتضیات زمان و مکان جدید بود. از این رو می‌توان گفت که برخی از احادیث مرتبط با زنان نیز نمی‌تواند توصیف تاریخی صحیحی از سنت پیامبر (ص) باشند بلکه بر عکس نشان گر آرای هیستند که برخی از اصحاب با نفوذ در قرن اول پس از پیامبر (ص) به آن معتقد شده اند اما آن را به پیامبر نسبت دادند. از این روست که بسیاری از احادیثی که توسط اندیشوران به عنوان احادیث موضوعه قلمداد شده اند کلمات و سخنان صحابه و تابعین می‌باشند. محمد بشیر ظافر در کتاب «تحذیر المسلمین من الاحادیث الموضوعه علی سید المرسلین» برخی از این سخنان را گردآوری نموده است (هروی، بی تا، ۷۵-۱۸۹) که احادیث مرتبط با زنان نیز در میان آنها به چشم می‌خورد. به تعبیر دیگر برخی احادیث در نتیجه ی تحولات دینی، سیاسی و اجتماعی اسلام در قرون نخست به وجود آمده و به معصومین (ع) منتسب گشته اند. به عنوان نمونه می‌توان به حدیث «اتخذوا السراری فانهن مبارکات الأرحام» اشاره نمود. منقول است اهل مدینه رغبتی به ازدواج با سراری نداشتند تا اینکه فقهای مدینه آنها را به این امر تشویق نمودند (دینوری، ۱۴۱۸، ۱: ۳۷۷).

هم چنین احتمال دارد احادیث منع اشتغال زنان در بیرون از خانه نیز مربوط به دوران بعد از پیامبر (ص) باشد

چنانچه در کتب تاریخی سخن زیر از صحابی نقل شده است: «...نعم لهو المرأة المغزل» (ابن ابی الدنیا، ۱: ۴۱۲) که بسیار مشابه حدیث منتسب به پیامبر (ص) می باشد که به عقیده ی علمای اسلامی در زمره ی احادیث موضوعه است: «خیر لهو المؤمن السباحة وخیر لهو المرأة المغزل» (ابن جوزی، بی تا، ۲: ۲۶۸. السیوطی، بی تا، ۲: ۱۴۳). لذا احتمال می رود به مرور زمان سخنان صحابی به پیامبر منتسب شده است و یا احادیثی با توجه به افکار صحابی که مخالف اشتغال زنان بودند برای منع زنان از اشتغال ساخته شده است.

- رویکرد تسامح گونه محدثین :

تسامح علما و محدثین در احادیث غیر از احکام اصلی (واجبات) نیز زمینه ی ورود احادیث موضوعه درباره ی زن را فراهم می آورد. چون در نقل روایات غیر احکام واجب سخت گیری نمی شد و به سند روایات توجهی نمی گردید. به عقیده ی محمد حسین فضل الله، وضع و جعل دسته ای از این روایات به مرحله ی فروپاشی سیاسی - اجتماعی و اخلاقی جامعه ی عربی و پس از سقوط بغداد به دست سپاه مغول و سیطره ی صلیبیان بر بلاد شام و گسترش بی سوادی در میان مردان و زنان بر می گردد. در این میان غلبه با فقیهان قشری گرا بود که تلاش آنان یکسو به مستحبات دینی معطوف می گشت در نتیجه تمسک به ظواهر خشک شرعی بر جای انگیزه های اخلاقی و روحی دین ناب نشست و همگان از مقاصد عالی دینی که تصویر اخلاق قرآنی و تجربه ی مدینه النبی (ص) را آشکارتر به تصویر می کشد، فاصله گرفتند. (دینوری، ۱۴۱۸، ۱: ۳۷۷). «هاشم معروف الحسنی» نیز به این نوع نگرش فقها و علما اشاره نموده و آن را به نقد کشیده است (معروف الحسنی، ۱۳۷۲، ۲۱۳). لذا توجه و دقت ویژه در نقل روایات مرتبط با زنان که اکثریت آنها ناظر به مباحث شخصیتی و حقوقی بودند نمی شد و این سبب گردید زمینه های وضع حدیث در حوزه ی زنان مساعدتر باشد. در حدیثی از ابوهریره تساهل در سمع و نقل حدیث کاملاً مشهود است: ابوهریره نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: «شومی در سه چیز است: مرکب و زن و خانه». عایشه بدان اعتراض کرده که پیامبر فرمود: «اهل جاهلیت چنین می گفتند». راوی، این قسمت از سخن پیامبر را نقل نکرده است: «قِيلَ لِعَائِشَةَ إِنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ، يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي الدَّارِ وَالْمَرْأَةِ وَالْفَرَسِ فَقَالَتْ عَائِشَةُ: لَمْ يَحْفَظْ أَبُو هُرَيْرَةَ لِأَنَّهُ دَخَلَ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: قَاتَلَ اللَّهُ الْيَهُودَ، يَقُولُونَ إِنَّ الشُّؤْمَ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي الدَّارِ وَالْمَرْأَةِ وَالْفَرَسِ فَسَمِعَ آخِرَ الْحَدِيثِ وَلَمْ يَسْمَعْ أَوَّلَهُ» (ابن الجارود، ۱۴۱۹: ۳: ۱۲۴) (به عایشه گفته شد که ابوهریره می گوید: پیامبر (ص) فرمود: شومی در سه چیز است: خانه، زن و اسب. عایشه گفت: ابوهریره بر پیامبر (ص) داخل شد در حالی که پیامبر (ص) می فرمود: خدا یهود را بکشد آن ها می گویند: شومی در سه چیز است: خانه، زن و اسب. ابوهریره آخر حدیث را شنیده و اولش را نشنیده است.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر مجموعه احادیث موضوعه معرفی شده در کتب الموضوعات مورد بررسی قرار گرفت. ملاحظه ی متن و مفهوم روایات نشان می دهد که از میان زمینه های اشاره شده در این تحقیق

بیشترین اثر را رواج افکار اهل کتاب بین مسلمانان، فراهم بودن زمینه‌های مردسالاری در جامعه و وجود نگرش منفی به زنان داشته است. به طوری که با فراهم بودن این دو زمینه ی فرهنگی در جامعه حتی در زمان پیامبر (ص) که شروع جعل حدیث نیز در این دوران بوده است، زمینه‌های مطرح شده ی دیگر نظیر تسامح محدثین در نقل روایات غیر احکام، وجود اقتضائات اجتماعی بعد از پیامبر (ص)، نفوذ معاندین دین در بین مسلمانان و روند جعل حدیث علیه زنان را سرعت بخشیده است. وضع حدیث درباره ی زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی و تاریخی خاصی صورت گرفته است. و تنها به واسطه ی آموزه‌های اسلامی برای زنان حقوقی قائل شدند. بعد از پیامبر (ص) نیز فرهنگ دیگری به وسیله ی اختلاط با فرهنگ‌های مناطق فتح شده توسط مسلمین به عنوان فرهنگ عمومی مسلمانان با نام فرهنگ اسلامی پدیدار گردید. بسیاری بر دین سابق خود باقی مانده و آرا و اندیشه‌های خود را حفظ کرده، در مناطق عربی انتشار دادند لذا علی رغم مقاومت مسلمانان در برابر سایر فرهنگ‌ها مسلمانان از نظر علمی، فنی و فرهنگ عمومی، تحت تأثیر فرهنگ‌های موجود در مناطق فتح شده قرار گرفتند (جعفریان، بی تا: ۱۳).

بنابراین توأم گردیدن فرهنگ مرد سالاری، فرهنگ‌های مسیحی، یهودی سبب گردید که احادیث زن ستیز در اولویت قرار گرفته و حتی ساخته شوند یا حتی سخنان صحابه یا حکما و فقها در مذمت زنان به عنوان قول پیامبر (ص) مشهور شوند (طرهونی، بی تا: ۱، ۱۹۹). لذا تلقی سخن حکما به مرور زمان به عنوان حدیث منقول از پیامبر (ص) امری است که می‌تواند در مورد عبارات مزبور پنداشته شود. برخی از احادیثی که با نام پیامبر ثبت شده و شهرت یافته است در حقیقت مثل یا سخنانی بوده است که یا عامدانه به عنوان حدیث نقل شده است و یا از روی سهو به مرور زمان به عنوان حدیث پیامبر (ص) گسترش یافته است. در کل وضع حدیث درباره ی زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی و تاریخی خاصی صورت گرفته است و تنها به واسطه ی آموزه‌های اسلامی است که برای زنان حقوقی قائل شدند.

تعارض منافع: نویسندگان تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد.

این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

منابع

- ابن ابی الدنیا. (بی تا). *النفقه علی العیال*. بیروت: موقع جامع الحدیث.
- ابن الجارود، سلیمان بن داوود. (۱۴۱۹). *مسند ابی داود الطیالسی*. بیروت: هجر للطباعة و النشر.
- ابن جوزی، ابوالفرج. (۱۴۱۵). *الموضوعات*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن قیم جوزیه، ابو عبدالله. (۱۴۰۳). *المنار المنیف*. حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیه.
- ابو شقه، عبدالحلیم. (۱۴۱۰). *تحریر المرأه فی عصر الرساله*. کویت: دارالقلم.
- ابوریه، محمود. (بی تا). *الأضواء علی السنه المحمديه*. بیروت: البطحاء.
- آلبانی، ناصر الدین. (۱۴۱۲). *سلسله الأحادیث الضعیفه والموضوعه وأثرها السیعی فی الأمه*. الرياض: دار المعارف.
- الحاکم النیشابوری. (۱۴۱۱). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دار العلم للملایین.

- الحوت، محمد درویش. (۱۴۰۳). *أسنى المطالب فى احاديث مختلفه المراتب*. بيروت: دار الكتب العلميه.
- الذهبى، شمس الدين. (۱۴۱۹). *تلخيص كتاب الموضوعات*. بيروت: مكتبه الرشد.
- السيوطى، جلال الدين. (۱۹۹۳م). *الدر المنثور*. بيروت: الناشر دار الفكر.
- السيوطى، جلال الدين. (بى تا). *لئالى المصنوعه فى الاحاديث الموضوعه*. بيروت: دار الكتب العلميه.
- السيوطى، عبدالرحمن بن ابوبكر. (بى تا). *لاكى المصنوعه فى الاحاديث الموضوعه*. بيروت: دار الكتب العلميه.
- الشوكاني، محمد بن على. (۱۴۰۷). *الفوائد المجموعه*. بيروت: المكتب الإسلامى
- العامرى، احمد بن عبد الكريم الغزى. (بى تا). *جد الحنيث فى بيان ما ليس بحديث*. بيروت: دار ابن حزم.
- العبسى الكوفى، ابوبكر عبدالله بن محمد ن أبى شيبه. (بى تا). *المصنّف فى الأحاديث والآثار*. بيروت: دار التاج.
- العجلونى، اسماعيل بن محمد. (۱۴۰۸). *كشف الخفاء*. بيروت: دار الكتب العلميه.
- القارى، ملا على. (۱۳۹۱). *الأسرار المرفوعه فى اخبار الموضوعه*. بيروت: دار الأمانه / مؤسسهُ الرساله.
- القاوقجى، ابوالمحاسن محمد بن خليل. (بى تا). *اللؤلؤ المرصوع فيما لا أصل له أو بأصله موضوع*. بيروت: دار البشائر الإسلاميه.
- الكنانى، ابوالحسن على بن محمد. (۱۹۸۱). *تنزيه الشريعه المرفوعه، تحقيق عبدالله بن محمد بن الصديق الغمارى*. بيروت: دار الكتب العلميه.
- المالكي، محمد المير. (بى تا). *النخبه البهيّه فى الأحاديث المكذوبه على خير البريه*. الناشر: المكتب الإسلامى.
- المررد، يوسف بن حسن. (۱۴۲۰). *محض الصواب فى فضائل اميرالمومنين عمر بن الخطاب*. بيروت: عماده البحث بالجامعه الاسلاميه.
- المناوى، عبد الرؤوف. (۱۳۵۶). *فيض القدير شرح الجامع الصغير*. مصر: المكتبة التجارية الكبرى، الطبعة الأولى.
- جعفرى، رسول. (بى تا). *تاريخ ايران اسلامى*. قم: مؤسسه فرهنگى دانش و انديشه معاصر.
- حسينى جلالى، محمدرضا. (۱۴۱۳). *تدوين السنه الشريفه*. قم: دفتر تبليغات اسلامى.
- حسينيان قمى، مهدي. (۱۳۷۷). *دفاع از حديث (۶). فصلنامه علوم حديث، ۲(۹)، ۱۷۹-۱۷۰*.
- دينورى، ابن قتيبه. (۱۴۱۸). *عيون الأخبار*. بيروت: دار الكتب العلميه.
- زركشى، بدر الدين ابى عبدالله. (۱۴۰۶). *التذكرة فى الاحاديث المشتهره*. بيروت: دار الكتب العلميه.
- زمخشري، محمود. (۱۴۰۷). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*. بيروت: دار الكتاب العربى.
- زمخشري، محمود. (۱۴۱۲). *ربيع الأبرار ونصوص الأخبار*. بيروت: مؤسسه أعلمى.
- صدوق، محمد بن على. (بى تا). *علل الشرايع*. تهران: مصطفىوى.
- طرهونى، محمد بن زرق. (بى تا). *هديتى لابنتى عند زفافها*. بيروت: مكتبه الشامله.
- فضل الله، سيد محمد حسين. (۱۳۷۸). *نقش و جاينگاه زن در حقوق اسلامى، ترجمه عبدالهادى فقهى زاده*. تهران: نشر دادگستر.
- معارف، مجيد. (۱۳۷۷). *تاريخ عمومى حديث*. تهران: انتشارات كوير.
- معروف الحسنى، هاشم. (۱۳۷۲). *اخبار و آثار ساختگى*. مشهد: بنياد پژوهش هاى اسلامى.
- نوال السعداوى، هبه روف. (۲۰۰۰م). *المراه، الدين والأخلاق*. بيروت: دار الفكر.

- نویری، شهاب‌الدین. (۱۴۲۴). *نهاية الأرب في فنون الأدب*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- نیکزاد، عباس. (۱۳۸۳). *رواسازی خشونت علیه زنان در احادیث مجعول*. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲(۲۳)، ۱۰۵-۱۳۴.
- هروی، محمد بشیر ظافر. (بی تا). *تحذیر المسلمین من الاحادیث الموضوعه علی سید المرسلین*، تحقیق فواز احمد زمرلی. بیروت: دارالکتب العربی.

Grounds for The Formation of Fake Hadiths in The Field of Women

R. Shirini*

Abstract

The purpose of this study was to explain the background of the development of hadiths on women and to determine the role of each field in the development of fake hadiths. The study population included “Almozooat” books. The sample subsumed the subjects of the hadiths about women and determining the role of each field in the spread of false hadiths against women. The research design was descriptive-analytical. Data was obtained through documents and libraries. The analysis was conducted based on the obtained data from the topics and hadiths of the topic in the “Almozooat” books. The results of the research showed that the historical conditions of the Islamic society were the basis for the fake hadith about women. The grounds for fake hadith about women were divided into cultural, social and political contexts: cultural contexts included the dominance of patriarchal culture, the existence of a negative attitude towards women’s identity and the promotion of the thoughts of the believers among Muslims. The influence of religious opponents among Muslims was a political issue and the existence of social requirements in the post-prophet era was considered as a social issue. Therefore, anti-feminist hadiths were falsified, and after the falsification, due to the acceptance by the male community and due to the negligent approach of the narrators in narrating non-commandments news and without any critique review, they were inserted in the narrative texts.

Keywords: fake hadith, women field

*Assistant Professor, Department of Islamic Education, Salmas Branch, Islamic Azad University, Salmas, Iran. (Corresponding Author, Email: rsh.khoy@yahoo.com)